

ارزیابی عدالت جنسیتی در فضاهای عمومی شهری، مطالعه‌ی موردی:

مرکز شهر تبریز

اکبر رحیمی^۱، موسی واعظی^{۲*}، حجت محمدی^۳ و مائده باکویی^۴
تاریخ دریافت: ۹۶/۰۸/۱۱ صص ۲۴۴-۲۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۲۸

چکیده

فضاهای عمومی شهری برای آن جام فعالیت‌های اجباری، اختیاری و مهم‌تر از همه، فعالیت‌های اجتماعی هستند و حضور در فضا حق مسلم زنان است و همانند مردان باید از شرایط برابر برای حضور در فضاهای شهری برخوردار باشند. این پژوهش به بررسی میزان انطباق فضاهای عمومی منطقه‌ی ۸ تبریز با نیازهای زنان پرداخته است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی است. ۲۴۲ پرسشنامه بر اساس فرمول کوکران بین زنان توزیع و داده‌ها بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی و آزمون t تحلیل گردید. میزان آلفای کرونباخ برای پایایی پرسشنامه، ۸۸/۳ می‌باشد که پایایی در حد مطلوب را نشان می‌دهد. بر اساس مدل تحلیل عاملی اکتشافی سؤالات در ۴ عامل زیرساخت‌های فیزیکی، دسترسی، فرهنگی-اجتماعی و امنیت دسته‌بندی شده است. این ۴ عامل در مجموع ۶۸/۳۲٪ از واریانس متغیرها را تبیین می‌کنند. نتایج تحقیق نشانگر این است که عوامل زیرساخت‌های فیزیکی، دسترسی و فرهنگی-اجتماعی به ترتیب با سطح معناداری ۰/۰۴، ۰/۰۱ و ۰/۰۳ انطباق مطلوبی با نیاز زنان ندارند؛ اما سطح معناداری عامل امنیت با میزان ۰/۲۱۷ بیانگر وضعیت مطلوب این عامل از نظر پاسخگویان است. با توجه به نتایج و مراجعه‌ی بالای شهروندان و گردشگران به منطقه، نیازمند توجه بالای مسئولان و نهادهای مرتبط می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: عدالت جنسیتی، فضاهای عمومی شهری، زنان، تحلیل عاملی، منطقه‌ی ۸ تبریز.

۱- دکتری تخصصی، برنامه‌ریزی شهری، استادیار، تبریز، ایران

۲- دکتری تخصصی، برنامه‌ریزی شهری، دانشجو، تبریز، ایران.

۳- دکتری تخصصی، برنامه‌ریزی شهری، دانشجو، تبریز، ایران

۴- کارشناسی ارشد، سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی، تبریز، ایران

*- نویسنده مسئول: musa.vaezi@yahoo.com

مقدمه

فضاهای عمومی، مکانی برای رفع نیازهای روزمره‌ی زندگی عمومی در شهرها هستند. این فضاها در طول زمان و بر اساس شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تغییر می‌کنند (Pasaogullari & Doratli, 2004). فضاهای عمومی شهری، فضاهایی برای آن‌جا فعالیت‌های اجباری، اختیاری و مهم‌تر از همه، فعالیت‌های اجتماعی هستند (Gehl, 1978). استفاده از فضاهای عمومی از سوی گروه‌های مختلف مردم و همچنین طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها به تقویت هویت جمعی جامعه کمک می‌کند (Franck & Paxson, 1989). بنابراین، فضای شهری عنصر اساسی ساخت شهر است که با کانون راهبردهای اجتماعی مربوط می‌شود و شکل‌دهنده‌ی رفتار و زندگی اجتماعی افراد است (kurniawati, 2012). امروزه نقش و اهمیت فضاهای عمومی شهری با تأکید بر طراحی، فارغ از محدودیت‌های جنسیتی، سنی و توانایی استفاده‌کنندگان، به عنوان مکانی مطلوب برای تمام گروه‌های اجتماعی به خوبی احساس می‌شود (Garcia-Roman, 2004). همچنین رویکرد اولیه در توسعه‌ی فضاهای باز عمومی، ایجاد محیطی است که به وسیله‌ی گروه‌های جنسی و سنی گوناگون مورد استفاده قرار گیرد؛ چرا که این قابلیت، معیار و شاخصی برای موفقیت چنین فضاهایی است. به عبارتی، همه حق دارند از بودن در فضا لذت ببرند. بنابراین از آن‌جا که زنان به‌عنوان یک شهروند حق حضور، مشارکت و لذت از زندگی مدنی در شهر را دارند، لازم است تمامی موانع حضور و مشارکت آن‌ها در زندگی شهری محدود شود. این موضوع نه تنها شامل امنیت، حمل و نقل، دسترسی و عوامل فرهنگی و اجتماعی است، بلکه باید باید در فضاهای شهری نیز اهمیت پیدا کند (Rezazadeh & Mohammadi, 2009). علی‌رغم این‌که رویکرد جنسیتی به فضاهای شهری و عدم توجه به نیازهای زنان در برنامه‌ریزی فضاهای شهری به اثبات رسیده است، بعضی از نویسندگان اعتقاد دارند فضاهای عمومی در شهرها آزادی بیشتری برای زنان نسبت به مردان و هنجارهای طبقه‌ی متوسط در یک جامعه‌ی مدرن فراهم می‌آورد؛ در حالی‌که دسته‌ای دیگر معتقدند، این مکان‌ها غیرقابل دسترس و هم‌خطرناک هستند (Garcia-Roman, 2004). از آن‌جا که یکی از مهم‌ترین معیارها جهت سنجش درجه‌ی توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتبار است که زنان در آن کشور دارا می‌باشند. هر چه حضور زنان در اجتماع، فعال‌تر و مؤثرتر باشد، کشور پیشرفته‌تر و توسعه‌یافته‌تر خواهد شد؛ لیکن میزان نقش و مشارکت زنان در جامعه، به ویژه در زمینه‌های اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی، تا حد زیادی وابسته به برخورد و نگرش آن جامعه نسبت به زن می‌باشد. با توجه به ضرورت حضور و مشارکت حقیقی زنان در عرصه‌های مختلف فعالیت‌ها، برای تحقق جامعه‌ی مدنی، رشد و بالندگی جامعه‌ی بانوان کشور و نیز تسریع فرایند توسعه و محقق شدن عدالت اجتماعی، چنانچه به زن به عنوان نیروی فعال و سازنده نگریسته شود، قطعاً تأثیر بسیاری در روند توسعه و افزایش کمی و کیفی نیروی انسانی آن جامعه خواهد داشت و

بستر مناسب آنان را در تمام صحنه‌ها فراهم خواهد آورد (Gerda, 2010). افزون بر این، زنان، سرمایه‌ی اجتماعی وسیعی برای جوامع به شمار می‌روند که بدون آگاهی از نیازهای آنان در فضاهای عمومی و شهری و شرایط تحقق آن نمی‌توان به پیشرفت و توسعه‌ی همه‌جانبه امید چندانی داشت. بنابراین، در صورتی که به نیازهای زنان توجه نشود، مسأله‌های ذهنی مربوط به ناامنی و ترس از خطرات بالقوه، کانون خانواده را مورد تهدید قرار می‌دهد؛ زیرا زنان مهم‌ترین انتقال‌دهنده‌های انگاره‌های فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه هستند، لذا هرگونه خلاء عاطفی یا فقدان احساس امنیت و آرامش در بین آن‌ها، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به دنبال داشته باشد که از هم گسیختگی، عدم انسجام در خانواده و روابط آشفته درون و برون خانوادگی از جمله نتایج آن است. به لحاظ تاریخی، معماری و برنامه‌ریزی شهری فعالیتی مردانه تلقی شده که خود فضاهای شهری را به فضاهایی جنسیتی نیز تبدیل کرده است. گویی علایق و نیازهای مردان، جهانی و دربرگیرنده‌ی هر دو جنس است به طوری که تا سال ۱۹۷۰، برنامه‌ریزی شهری دچار نوعی کوری جنسیتی بوده است (Hexly, 2002). با وجود حرکت‌های صورت گرفته، زمینه‌های اجرایی رفع این تبعیض‌ها هنوز در جهان فراهم نیامده است (Foruzandeh, 2006). این در حالی است که مطالعات انجام گرفته در زمینه‌ی ارتباط زنان با محیط نشان می‌دهد که فضاهای عمومی شهری در زندگی روزانه زنان نسبت به مردان بسیار اثرگذارتر است از آن‌جا که امروزه فضاهای عمومی شهری ضرورتی اساسی در برنامه‌های توسعه‌ی شهری یافته‌اند و فضاهایی برای زندگی اجتماعی می‌باشند، بسیار پر اهمیت هستند (Pourahmad & et al, 2013). در منطقه‌ی مورد مطالعه نیز با توجه به ورود حجم گسترده‌ای از جمعیت و به‌ویژه زنان در طول شبانه‌روز به منطقه‌ی ۸ تبریز که به دلیل وجود کاربری‌های متنوع و خصوصاً بازار تبریز و کاربری‌های تجاری و خدماتی فراوان، وجود لبه‌ها و گره‌های عمده‌ی ترافیکی و سیمای برجسته و تاریخی منطقه می‌باشد و هم‌چنین خالی شدن جمعیت محدوده در شب و متروک شدن آن پس از تاریکی هوا و کاهش امنیت محیط و توجه به این نکته که این بخش از شهر تبریز روزگاری به عنوان با ارزش‌ترین مرکز شهر شناخته می‌شده است؛ ولی امروزه با وجود تردد و استفاده‌ی حجم بالای جمعیت در طی روز با افت کیفیت فضا مواجه است و برخی از زنان از فضاهایی از محدوده‌ی مورد مطالعه اجتناب می‌کنند و برخی از مکان‌های این محدوده را جای امنی نمی‌دانند بنابراین، در این پژوهش با تأکید بر حضور مؤثر زنان تلاش شده است میزان مطلوبیت فضاهای شهری جهت حضور زنان در منطقه‌ی مذکور با توجه به تعداد بالای آنان نسبت به مردان (جدول ۱) مورد بررسی قرار گیرد. با این تفاسیر، حال این سؤال مطرح هست که آیا فضاهای عمومی در مرکز شهر تبریز از دیدگاه عدالت جنسیتی مطلوب می‌باشد؟

جدول ۱- ویژگی‌های عمومی محدوده‌ی مورد مطالعه

جمعیت	۲۸۷۰۰	نرخ باسوادی زنان	۴۴/۳
جمعیت زن	۱۴۶۰۰	نرخ اشتغال	۳۸/۵۷
تعداد خانوار ساکن	۹۷۴۵	نسبت جمعیت زن به کل جمعیت	۵۰/۸۷
مساحت (هکتار)	۳۸۸	تراکم جمعیتی	۰/۷۳
نسبت جنسی	۱۰۰/۸	نرخ رشد جمعیت	-۰/۸۴
نرخ فعالیت زنان	۴/۹	بعدخانوار	۳/۴
تراکم جمعیتی خالص	۲۳۰	درصد کل مهاجرین	۳/۹۷
تراکم جمعیتی ناخالص	۷۳		

منبع: یافته‌های تحقیق

فضای عمومی شهری: مفهوم فضا و فضای شهری از مفاهیم مورد مناقشه‌ی حوزه‌ی جامعه‌شناسی شهری هستند. این‌که فضا دقیقاً چیست یا کجاست، یا این‌که چه فضایی را عمومی بدانیم، از گذشته‌ی دور تا امروز مورد بحث و کنکاش بوده‌اند. امروزه متفکران معتقدند که فضا امری اجتماعی است. در واقع برساخته‌ای اجتماعی هستند که نحوه و چگونگی استفاده از آن نیز به اجتماع پیرامون آن بستگی دارد. این فضا سرشار از نابرابری‌ها است و انواع گوناگونی از اقلیت‌ها، پیدا و پنهان از آن محروم هستند (Partovy, 2012). مفهوم فضای شهری ورای فضای باز و رها شده بین ساختمان‌های شهری است. فضای شهری تنها یک هویت کالبدی نیست، بلکه فضایی است عملکردی که فرصت ارتباط و تعامل شهروندان را فراهم می‌آورد. این فضاها در طیف گسترده‌ای وجود دارند و بخشی از فضاهای باز عمومی شهرها هستند که بستر زندگی جمعی را فراهم می‌آورند. ویژگی‌های فضاهای شهری به شدت تحت تأثیر نحوه‌ی فعالیت و الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان آن‌ها قرار دارد (Abbas Zadegan, 2005). فضای شهری عنصر اساسی ساخت شهر است که با کانون راهبردهای اجتماعی مربوط می‌شود و شکل‌دهنده‌ی رفتار و زندگی اجتماعی افراد است. در عین حال فضای عمومی شهری فضایی است که با ساختار کالبدی و کارکرد اجتماعی‌اش می‌تواند عرصه‌ی مطلوبی برای رشد و بالندگی جامعه‌ی مدنی ارائه دهد (Habibi et al, 2013).

عدالت جنسیتی: عدالت از مفاهیم بسیار اساسی در توسعه‌ی پایدار است و پیش‌نیاز هر عملی است که هدف آن ارتقاء و بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها است. این بدان معنی است که برابری و عدالت جنسیتی، تنها به عنوان پرسش اساسی حقوق انسانی و عدالت اجتماعی مطرح نیست، بلکه هم‌چنین ابزار و پیش‌شرطی برای حفاظت از محیط و امنیت بشر است. عدالت جنسیتی یکی از ابعاد عدالت اجتماعی است به صورتی که توسعه‌ی پایدار، بدون عدالت امکان تحقق نخواهد یافت (Begum, 2000). عدالت برای انجام هر عملی که هدف آن ارتقای سطح کیفی زندگی است یک پیش‌شرط به حساب می‌آید. رویکرد عدالت جنسیتی موضوعی بسیار مهم در زمینه‌ی توسعه‌ی پایدار تلقی می‌شود که به مفهوم تأکید بر گروه زنان است (Ghozlane, 2008). در رویکرد عدالت جنسیتی، مسأله‌ی شایان توجه، وضعیت زنان در شهر و جامعه و سطح عدالتی مورد نیاز آن‌هاست (ZibayiNejhad, 2009). به نظر می‌رسد در بررسی عدالت جنسیتی، آگاهی از تبعیض‌های وارده بر زنان ضروری خواهد بود. تبعیض‌ها و جدایی‌های اعمال شده بر زنان از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است (Rezazadeh & Mohamadi, 2007). عدالت جنسیتی در شهر و فضای شهری حرکتی است از رفتارهای خودسرانه و خودخواهانه در شهر به سوی رفتارهای عقلانی، موجه و متعادل که در ارتباط با روابط اجتماعی عادلانه است (Kolstain, 2005).

جنسیت و فضای شهری: حضور زنان در فضاهای شهری را باید با توجه ویژه بررسی کرد؛ چون این حضور در شرایط مختلفی صورت می‌گیرد که می‌تواند هم محدود کننده و هم تشویق کننده باشد. مسأله‌ی حضور زنان در عرصه‌های شهری و دسترسی عادلانه به فضاها و خدمات شهری در درون رهیافت‌هایی چون حکمرانی خوب شهری، شهرسازی انسان‌گرا و دیدگاه‌های زن‌گرایانه مطرح شده و مورد تأکید قرار گرفته است و بسیاری بر این اعتقاد هستند که با گسترش شهرنشینی در یک جامعه، فرصت ارتقا و بهبود و برخورداری بیشتر زنان از حقوق اجتماعی فراهم می‌شود (Nagdi, 2011). همراه با گسترش شهرها، تحولات اجتماعی بسیاری رخ داده است که مشارکت و افزایش حضور زنان در عرصه‌های عمومی و اجتماعی یکی از آن‌ها است. دسترسی زنان به خدمات و فضاهای شهری بهبود یافته، اما هم‌چنان در شهرهای کمتر توسعه یافته این مشکل جدی است. با آن‌که درک فضاهای شهری متأثر از ویژگی‌های فردی، سرعت حرکت، تفاوت‌های گروه‌های مختلف سنی، جنسی، فرهنگی و اجتماعی، شیوه‌ی زندگی، طول مدت سکونت در یک منطقه و روش جابه‌جایی در شهر است، در کل می‌توان شکست یا موفقیت یک فضای شهری را در قالب حضور زنان و مردان و میزان و تنوع فعالیت‌های آن‌ها تبیین کرد. این در حالی است که میزان و نحوه‌ی حضور مردم در فضا، هم‌چنین رفتار و کنش‌های آن‌ها، مبتنی بر هنجارهای اجتماعی - فرهنگی

رایج در جامعه تنظیم می‌شود (Habibi, 2012). به نظر میشل باندز^۱ (2004)، فضاهای شهری فضاهای جنسیت‌زده است و ناهمسانی قدرت مردان و زنان در جامعه را تشدید می‌کند. ترس زنان انعکاس ساختارهای قدرت جنسیتی در سطح کلان جامعه است. باندز دیدگاهی که معتقد است ترس یک خصیصه زنانه است را به چالش می‌کشد و معتقد است که محدودیت تحرک زنان در استفاده از فضا و هم در بر ساخت هویت به معنای تحت سلطه بودن آنها است. به همین دلیل زنان کل زندگی شخصی و اجتماعی خود را به نحو متمایزی از مردان تجربه می‌کنند. آنها در بسیاری از مراحل و موقعیت‌های زندگی با احساس هراس از مواجهه با دنیای مردانه‌ای که متعلق به آنان نیست و قوانین خود را به آنها دیکته می‌کند مواجه می‌شوند (Bounds, 20048). ساختار جنسیتی فضا در جامعه، محدودیت‌های زیادی را برای زنان ایجاد می‌کند زنان اغلب ارتباط پیچیده‌تری نسبت به محیط اطراف خود در مقایسه با مردان دارند که باعث می‌شود از آنها به عنوان گروه آسیب‌پذیر جامعه یاد شود (Boyle et al, 2001). آنچه را که کارپاستون و یولز^۲ (1991)، ماهیت جنسی شده فضای شهری می‌نامند؛ می‌توان در نحوه‌ی عمل فضای شهری برای محدود کردن تحرک‌پذیری زنان مشاهده کرد که این محدودیت را از لحاظ فیزیکی با القاء الگوهای حرکت و رفتار بر پایه‌ی ترس و دسترسی محدود شده و از لحاظ اجتماعی با انگاره‌هایی درباره‌ی نقش زنان در جامعه‌ی شهری اعمال می‌کند (MadaniPor, 2000). از دیدگاه رنه شورت، بیشتر ترس زنان از سهیم شدن در فضای شهری، مربوط به محدودیت‌های زمانی و فضایی آنها است (Reneh Short, 2009).

زنان و فضاهای شهری: امروزه با گسترش جوامع، تورم و هزینه‌های بالای زندگی، مشارکت زنان پا به پای مردان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و ... امری ضروری است. گروهی برای داشتن زندگی بهتر و گروهی برای تأمین نیازهای اولیه‌ی خود مجبور به کار در محیط بیرون از خانه هستند که همین مسأله‌ی اشتغال زنان، تبعات فراوانی را به دنبال داشته است. نتایج طرح نظرسنجی اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی زنان کشور که به وسیله‌ی مرکز مشارکت زنان ریاست جمهوری انجام شده نشان می‌دهد، یکی از عمده‌ترین مسایل و مشکلات زنان، کمبود امنیت است (Movahed & Hemat, 2013). این مسأله در ردیف اولین دغدغه‌های زنان قرار گرفته و چه بسا این امر سبب محدودتر شدن فعالیت زنان در محیط‌های عمومی می‌شود و حضور زنان در شهر را به عنوان یک شهروند فعال، با مشکل مواجه سازد (Fooladispehr & Noroozi, 2009). نابرابری در فضاهای شهری و محیط‌های نامطلوب فضای شهری به همان نسبت که می‌تواند در توسعه‌ی عدالت

1- Michal Bounds

2 -Carpe, stone & yols

اجتماعی راهگشا باشد در صورتی که دقت کافی در برنامه‌ریزی و طراحی آن‌ها صورت نپذیرد می‌تواند عاملی در جهت تعمیق نابرابری‌های اجتماعی گردد. برای تأمین برابری جامعه باید با درک تفاوت در نیازها، موقعیت و اهداف افراد موانع محدودکننده را رفع کند و به آن‌ها امکان حضور و مشارکت اجتماعی برابر را بدهد (Pierce et al, 2016). سازمان بین‌المللی اسکان بشر زمینه‌ی ملاحظات استراتژیکی در موضوع توجه به زنان در مباحثی از قبیل خدمات ابتدایی، حقوق انسانی و اجتماعی، ظرفیت اقتصادی، حمل و نقل، حق امنیت و جلوگیری از آزار و اذیت زنان ساماندهی کرده است (UNCHS, 2014). از آن‌جا که زنان به‌عنوان یک شهروند حق حضور، مشارکت و لذت از زندگی مدنی در شهر را دارند، لازم است تمامی موانع حضور و مشارکت آن‌ها در زندگی شهری محدود شود. این موضوع نه تنها شامل امنیت، حمل‌ونقل و سایر موارد فوق است، بلکه باید به لحاظ فرهنگی اهمیت پیدا کند (Massey, 2013). تجربه‌ی استفاده از فضاهای عمومی برای استفاده‌کنندگان مختلف، با توجه به سن، جنس، طبقه‌ی اجتماعی و... متفاوت و در نوع زندگی و درک آن مؤثر است. زنان خصوصیات بیولوژیک، مسئولیت‌ها و نگاه متفاوتی در مقایسه با مردان دارند که در نوع ارتباط آن‌ها با فضا تأثیر می‌گذارد. آن‌ها تسهیلات خاصی را از فضا انتظار دارند که با خصوصیات جسمی و نیازهای عاطفی و روحی آن‌ها متناسب باشد و زندگی روزمره و فعالیت‌هایشان را تسهیل کند. عرصه‌های عمومی شهری به منزله‌ی بستر زندگی و فعالیت شهروندان باید بتوانند با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های میان افراد و گروه‌های سنی، جنسی و اجتماعی محیطی امن، سالم، پایدار و جذاب را برای همه‌ی افراد فراهم کند و به همه‌ی نیازهای اقشار اجتماعی پاسخ مناسب بدهند (Jiang et al, 2017). بدین ترتیب باید اذعان داشت زنان گروه اجتماعی هستند که با آن‌ها بخش عظیمی از جمعیت جوامع را به خود اختصاص می‌دهند، نیازهای اجتماعی آن‌ها و برقراری تعامل منطقی و متعارف با دیگران نادیده انگاشته شده است. این در حالی است که زنان هم‌چون دیگر گروه‌های اجتماعی با تداوم حضور در عرصه‌های عمومی و اجتماعی شهرها شرایط سرزندگی، نشاط و پایداری هر چه بیشتر این بسترها را فراهم می‌آورند (shokohi, 2012).

روش پژوهش و ابزار پژوهش

هدف این تحقیق شناخت و ارزیابی فضاهای عمومی شهری تبریز متناسب با مفهوم عدالت جنسیتی است. ابزار اصلی در این پژوهش جهت جمع‌آوری داده‌ها، پرسش‌نامه می‌باشد. این پژوهش با توجه به نحوه‌ی گردآوری داده جزو پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی است. در پژوهش حاضر ابتدا با استفاده از روش اسنادی و بررسی ادبیات موضوعی منابع مرتبط در این زمینه، جمع‌آوری و سپس چارچوب نظری پژوهش تهیه شد. سپس بر اساس چارچوب نظری متغیرها و شاخص‌های مسأله تعیین و از طریق مصاحبه سازمان یافته و ابزار پرسش‌نامه اطلاعات جمع‌آوری

شده است. به طور کلی این پژوهش از نظر هدف کاربردی است که با توجه به ماهیت موضوع از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

معرفی متغیرها و شاخص‌های تحقیق: در این پژوهش شاخص‌هایی را برای سنجش و ارزیابی مطلوبیت فضاهای شهری عمومی با توجه دیدگاه عدالت جنسیتی در نظر گرفته شده است. بدین صورت که با مرور ادبیات جهانی مرتبط با فضاهای عمومی ویژه‌ی زنان شهری و با استفاده از تحقیقات صورت گرفته شاخص‌ها و مؤلفه‌های اساسی سنجش فضا از منظر گروه‌های خاص (زنان) استخراج شده است و در پرسش‌نامه متناسب با هر شاخص (متغیر) سؤالاتی برای سنجش شاخص‌ها مطرح شده است. از این‌رو، شاخص‌های مشخصی برای ارزیابی مطلوبیت فضاهای شهری برای زنان استفاده شده است که عبارتند از: تعداد فضاهای قابل نشستن، میزان بهداشت عمومی فضا، استفاده از فضاهای عمومی و تجهیزات، مسیرهای ارتباطی، آسایش و خوانایی (تصویر مناسب از فضا)، دسترسی و ارتباطات (اتصالات فیزیکی و بصری به محیط اطراف، ورودی و خروجی آسان و قابل مشاهده از فواصل دور و نزدیک، نحوه‌ی دسترسی و بررسی چگونگی اتصال شبکه‌ی معابر، تنوع حمل و نقل عمومی موجود، ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی و نحوه‌ی دسترسی)، مشارکت در مدیریت، مسایل فرهنگی و اجتماعی (جداسازی تجهیزات ورزشی بانوان، آموزش‌های شهروندی و نمازخانه‌ی ویژه‌ی بانوان)، امنیت (شفافیت و اشراف بصری به فضاها، تعیین و طراحی راه‌های روز و شب، طراحی راه‌های فرار و نورپردازی کافی)، دسترسی به فضا و طراحی فضا برای برقراری ارتباط و تعامل اجتماعی. در این پژوهش با استفاده از ۳۳ سؤال، مطلوبیت فضاهای عمومی مرکز شهر تبریز بر اساس دیدگاه عدالت جنسیتی بررسی شده است. این سؤالات شامل (پایاده‌روها، پل-های هوایی، پارک‌ها، معابر، کتابخانه‌ها، سرویس‌های بهداشتی، میلمان شهری، پارک‌های ویژه‌ی زنان، فضاهای ورزشی، ایستگاه‌های اتوبوس و تاکسی، وسایل نقلیه‌ی عمومی و خصوصی و مدیریت شهری) براساس سنجش‌های ویژگی‌های کالبدی، دسترسی، امنیت و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی ارزیابی شده است. در نتیجه متغیرهای این تحقیق دو دسته‌اند: الف) متغیرهای مستقل (زیرساخت‌های فیزیکی، امنیت، دسترسی و شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی)؛ ب) متغیر وابسته (میزان مطلوبیت).

به منظور سنجش پایایی، یک نمونه اولیه شامل ۳۰ پرسش‌نامه پیش‌آزمون شده است و سپس با استفاده از داده‌های به‌دست آمده از پرسش‌نامه‌ها میزان ضریب اعتماد با روش الفای کرونباخ محاسبه شده است که میزان آن برای سؤالات تحقیق برابر با ۸۸/۳ می‌باشد. این میزان نشان‌دهنده‌ی این است که پرسش‌نامه از قابلیت اعتماد و به عبارتی دیگر از پایایی لازم برخوردار است. به منظور سنجش روایی پرسش‌نامه نیز از اعتبار عاملی که صورتی از اعتبار سازه است و از طریق تحلیل عاملی به‌دست می‌آید، استفاده شده است. با توجه به این‌که هر سؤال با عاملی که در

آن قرار گرفته است دارای مقادیر بیشتر از ۰/۵ است و همچنین با عامل‌های دیگر دارای مقادیر کمتر از ۰/۵ است می‌توان گفت که روایی برای این پرسش‌نامه تأمین شده است. قلمرو مکانی تحقیق مرکز شهر تبریز (منطقه ۸ شهرداری تبریز) است و جامعه آماری تحقیق تمامی زنان با گروه‌های سنی متفاوت که به محدوده‌ی مرکز شهر تبریز مراجعه می‌کنند و یا در آن منطقه سکونت دارند، می‌باشند. برای محاسبه‌ی تعداد و حجم نمونه با توجه به این‌که تعداد دقیق بانوان استفاده‌کننده از فضا به صورت دقیق مشخص نمی‌باشد، از روش نمونه‌گیری آماری استفاده شده است. با توجه به فرمول کوکران برای جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش تعداد ۲۴۲ پرسش‌نامه به صورت تصادفی در زمان‌های مختلف روز بین بانوان در مرکز شهر تبریز توزیع گردیده است و داده‌های به‌دست آمده دسته‌بندی گردیده و با استفاده از نرم افزار SPSS و روش تحلیل عاملی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

$$n = \frac{t^2 pq}{d^2} = \frac{(1/96)^2 \times (0.5 \times 0.5)}{(0.02)^2} = 242$$

t = ابزار تغییر در توزیع طبیعی؛ p = درصدی از افراد جامعه که دارای صفت مورد مطالعه هستند؛
d = خطای قابل قبول؛ q = درصدی از افراد جامعه که فاقد صفت مورد مطالعه هستند.

تحلیل عاملی: تحلیل عاملی اصطلاحی است کلی برای تعدادی از تکنیک‌های ریاضی و آماری مختلف، اما مرتبط به‌هم، به منظور تحقیق درباره‌ی ماهیت روابط بین متغیرهای یک مجموعه معین است. تحلیل عاملی از جمله روش‌های چند متغیره است که در آن متغیرهای مستقل و وابسته مطرح نیست، زیرا این روش جز تکنیک‌های هم‌وابسته محسوب می‌گردد و کلیه متغیرها نسبت به هم وابسته‌اند. نخستین کار در زمینه‌ی تحلیل عاملی حدود ۱۰۰ سال پیش توسط چارلز اسپیرمن^۱ صورت گرفت و پدر این روش شناخته شده است. امروزه روش تحلیل عاملی از جمله تکنیک‌های تحلیل آماری است که در سطح وسیعی از شاخه‌های علوم، مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مدیریت، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و غیره استفاده می‌شود (طالبی و زنگی‌آبادی، ۱۳۸۰). تکنیکی است که کاهش تعداد زیادی از متغیرهای وابسته به هم را به صورت تعداد - کوچک‌تری از ابعاد پنهان یا مکنون (عامل‌ها) امکان‌پذیر می‌سازد، به طوری که در آن کمترین میزان گم شدن اطلاعات وجود داشته باشد. هدف اصلی آن، خلاصه کردن داده‌ها است. این روش

به بررسی همبستگی درونی تعداد زیادی از متغیرها می‌پردازد و در نهایت، آن‌ها را در قالب عامل-های عمومی محدودی دسته‌بندی و تبیین می‌کند. بنابراین، ارزش تحلیل عاملی این است که طرح سازمانی مفیدی به‌دست می‌دهد که می‌توان آن را برای تفسیر انبوهی از رفتار، با بیشترین صرفه‌جویی در سازه‌های تبیین‌کننده به کار برد (کلانتری، ۱۳۸۲).

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه آماری: بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه آماری نشان می‌دهد که از نظر سنی فراوانی مربوط به زنان زیر ۲۰ سال ۴/۳ درصد از کل نمونه، ۲۰ تا ۳۰ سال ۳۷/۸ درصد (بیشترین میزان فراوانی)، ۳۰ تا ۴۰ سال ۳۴/۶ درصد، ۴۰ تا ۵۰ سال، ۱۵/۵ درصد و زنان بالای ۵۰ سال ۷/۸ درصد از کل نمونه را تشکیل می‌دهند. از نظر وضعیت تأهل ۶۲/۴ درصد از پاسخ‌گویان متأهل و ۳۷/۶ درصد مجرد می‌باشند. شغل ۵۲/۲ درصد خانه‌دار، ۱۵/۴ درصد کارمند و ۳۲/۴ درصد نیز شغل آزاد می‌باشد. هم‌چنین تحصیلات ۵۲/۶ درصد از پاسخ‌گویان دیپلم و زیردیپلم و ۴۷/۴ درصد نیز تحصیلات دانشگاهی دارند.

نتایج تحلیل عاملی نیازهای زنان در فضاهای شهری: تحلیل عاملی یک فن آماری است که در بیشتر شاخه‌های علوم انسانی کاربرد دارد به خصوص در شاخه‌هایی که در آن‌ها از پرسش‌نامه و آزمون استفاده می‌شود و متغیرها از نوع مکنون هستند لازم و ضروری است. در این پژوهش با استفاده‌ی ۳۳ گویه در جهت ارزیابی مطلوبیت فضاهای عمومی مرکز شهر تبریز با نیازهای زنان از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است که با بهره‌گیری از نرم افزار SPSS گویه‌ها عامل‌سازی شده است. مقدار KMO برابر با ۰/۷۵ در سطح معناداری ۰/۰۰ محاسبه شده است. شاخص KMO معیاری برای کفایت نمونه‌گیری است که کفایت حجم نمونه و قابلیت متغیرها را برای دسته‌بندی عاملی تأیید می‌کند و مقدار آن همواره بین صفر و یک در نوسان است. در صورتی که مقدار این شاخص کمتر از ۰/۵ باشد داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهد بود و اگر بین ۰/۵ و ۰/۶۹ باشد داده‌ها متوسط بوده و اگر مقدار این شاخص بزرگتر از ۰/۷ باشد همبستگی موجود در بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب خواهد بود. با توجه به میزان عددی این شاخص در تحقیق حاضر که برابر با ۰/۷۵ می‌باشد نشان‌دهنده‌ی کفایت حجم نمونه‌گیری و قابلیت متغیرها برای دسته‌بندی عاملی می‌باشد. نتایج بیانگر این است که ۸ گویه در عامل کالبدی، ۹ گویه در عامل دسترسی، ۶ گویه در عامل امنیت و ۸ گویه در عامل فرهنگی-اجتماعی معنادار هستند.

جدول ۲- مقدار ویژه واریانس و واریانس تجمعی عامل‌ها

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
۱	۴/۷۰۸	۲۷/۵۴	۲۷/۵۴
۲	۲/۹۱۸	۱۴/۴۵	۴۱/۹۹
۳	۲/۲۴۹	۱۳/۷۴	۵۵/۷۳
۴	۲/۰۰۳	۱۲/۵۹	۶۸/۳۲

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج جدول (۲)، میزان مقدار ویژه برای چهار عامل کالبدی، دسترسی، امنیت و عامل فرهنگی و اجتماعی بیش از ۱ می‌باشد و به عنوان عامل‌های معنی‌دار در نظر گرفته می‌شود. این معیار، ساده‌ترین روش برای تعیین تعداد عامل‌ها است. در تحلیل مؤلفه‌های اصلی، تنها عامل‌هایی که مقدار ویژه‌ی آن‌ها بیشتر از یک باشد به عنوان عامل‌های معنی‌دار در نظر گرفته می‌شود. معیار درصد واریانس تبیین شده توسط عامل‌ها نیز ضابطه‌ای دیگر برای تعیین تعداد عامل‌ها است به گونه‌ای که عامل کالبدی حدود ۲۷/۵٪، عامل دسترسی حدود ۱۴/۴٪، عامل امنیت ۱۳/۷٪ و عامل فرهنگی- اجتماعی ۱۲/۵٪ از واریانس را تبیین می‌کنند. مقدار واریانس تجمعی چهار عامل برابر با ۶۸/۳۲ می‌باشد که نشانگر این امر خواهد بود که چهار عامل با هم حدود ۶۸٪ واریانس متغیرها را تبیین می‌کنند. میزان واریانس تجمعی باید بیش از ۰/۶ باشد. هر یک از عوامل یاد شده خود از چند متغیر تشکیل شده است. وضعیت بارگذاری عامل‌ها پس از استفاده از روش چرخش متعامد واریماکس (فرآیندی که برای تعدیل محور عامل به منظور دستیابی به عامل‌های ساده و بامعنی انجام می‌گیرد) مشخص شده است. در روش متعامد عامل‌ها به شیوه‌ای استخراج می‌شوند که محورهای عاملی در حالت ۹۰ درجه قرار گیرند و این بدین معناست که هر عامل مستقل از سایر عامل‌ها می‌باشد؛ بنابراین همبستگی بین عامل‌ها به‌طور قراردادی صفر تعیین می‌گردد. در ادامه این عوامل معرفی می‌شوند.

تحلیل عامل‌های چهارگانه

عامل اول ویژگی‌های کالبدی: مقدار ویژه عامل اول زیرساخت‌های فیزیکی برابر با ۴/۷۰۸ است که به تنهایی قادر است ۲۷/۵٪ واریانس را تبیین و محاسبه کند. در این عامل ۸ شاخص بارگذاری

شده است که شامل: وضعیت پیاده‌روها، محیط و امکانات سیستم حمل و نقل عمومی و خصوصی، ایستگاه‌های اتوبوس و تاکسی، پارک‌ها و فضاهای سبز، وضعیت پل‌های هوایی و میلمان شهری می‌باشد و بیشترین تأثیر را در بین عوامل چهارگانه دارد. همگی این شاخص‌ها را به ترتیب قرار گرفتن می‌توان در دسته‌ی ویژگی‌های زیرساخت‌های فیزیکی قرار داد (جدول شماره ۳). از عمده عوامل پایین بودن بار عاملی متغییرهای عامل کالبدی در منطقه‌ی مورد مطالعه می‌توان به عواملی نظیر: کمبود پارک‌های بانوان، کمبود امکانات رفاهی در پارک‌های موجود و همچنین عدم توجه به تفاوت‌های ظریفی که در زنان نسبت به مردان وجود دارد که در طرح‌های شهری نیز به چشم می‌خورد. برای نمونه متناسب نبودن ابعاد و تناسب میلمان شهری با شرایط زنان امری مشهود است. از این‌رو، توجه و عنایت به ایمن‌سازی و استانداردسازی میلمان‌ها و زیرساخت‌های شهری در منطقه‌ی مورد مطالعه مشهود به نظر می‌رسد. در مجموع می‌توان چنین گفت که در فضاهای شهری منطقه مورد مطالعه‌ی تناسبات میلمان شهری، کف‌پوش‌ها، طراحی مسیرهای پیاده، نورپردازی، رنگ و طراحی فضاها و ... غالباً با رویکرد مردانه طراحی شده است و تفاوت‌های انسانی، حسی و رفتاری زنان در فضاهای شهری کم‌تر مورد توجه بوده است.

جدول ۳- گویه‌های مربوط به عامل زیرساخت‌های فیزیکی و میزان بار عاملی آن‌ها

عامل	نام گویه	بار عاملی	نام گویه	بار عاملی
	آیا برای رفت آمد در پیاده‌روها احساس مشکل می‌کنید.	۰/۴۹	تا چه حد پارک‌های سطح شهر برای آسایش و استراحت زنان مناسب هست.	۰/۴۶۵
زیرساخت‌های فیزیکی (کالبدی)	آیا محیط داخلی تاکسی‌ها جهت استفاده زنان تمیز و راحت می‌باشد.	۰/۶۳۹	تا چه حد پل‌های هوایی عابر پیاده موجود در تبریز تا چه حد مناسب زنان می‌باشد.	۰/۵۰۵
	آبخوری‌ها از نظر ارتفاع برای استفاده زنان تا چه حدی مناسب هست.	۰/۴۷۱	آیا فضای اختصاص داده شده اتوبوس برای زنان کافی و مناسب است.	۰/۳۵۵
		۰/۳۸۷		۰/۳۲۳

منبع: یافته‌های تحقیق

عامل دوم دسترسی: مقدار ویژه عامل دسترسی برابر ۲/۹۱۸ است که ۱۴/۴٪ از واریانس را تبیین می‌کند. در این عامل ۹ گویه بارگذاری شده است که شامل در دسترس بودن پارک‌های شهری، زیرساخت‌های مناسب نظیر مبلمان‌های استاندارد، حمل و نقل عمومی، فضاهای ورزشی، سرویس‌های بهداشتی و پارک‌های ویژه‌ی زنان است. نظر به این‌که در همه‌ی این شاخص‌ها در دسترس بودن برخی امکانات شهری تأکید شده است، از عامل دوم به عنوان عامل دسترسی نام‌گذاری شده است. از عمده عوامل پایین بودن بار عاملی متغیرهای عامل دسترسی در منطقه‌ی مورد مطالعه می‌توان نبود ناوگان مناسب حمل و نقل عمومی و متناسب با ویژگی‌های زنان اشاره کرد؛ چرا که زنان وابستگی شدیدی به وسایل حمل و نقل عمومی دارند و هم‌چنین عدم توجه به این‌که زنان بیشترین استفاده‌کنندگان از مراکز شهری هستند نیازمند توجه بیش‌تر به دسترسی به خدماتی از قبیل حمل و نقل و موارد ذکر شده می‌باشد تا تحرک اجتماعی و مکانی زنان در منطقه‌ی مورد مطالعه بالا برود، زیرا جدا شدن خانه از کار در فرآیند صنعتی شدن و به حومه راندن زندگی شهری هر روز بیش‌تر از پیش زنان را از تحرک اجتماعی و مکانی باز داشته است. با توجه به این‌که زنان سفرهای پیچیده‌تری نسبت به مردان دارند، مسئولیت زنان در سفر به مهدکودک، مدرسه، محل کار، مغازه و فضاهای عمومی شهر بیش از دوبرابر مسئولیت مردان است که لزوم توجه بیشتر به مسأله‌ی دسترسی را نمایان می‌سازد (Michaud, 2007).

جدول ۴- گویه‌های مربوط به عامل دسترسی و میزان بار عاملی آن‌ها

عامل	نام گویه	بار عاملی	نام گویه	بار عاملی
دسترسی	آیا در پارک‌ها محیط برای نشاط و بازی زنان به حد کافی وجود دارد.	۰/۴۸۵	آیا پل‌های هوایی در شهر تبریز به حد کافی وجود دارد.	۰/۳۲۹
	مبلمان، نیمکت‌ها و محل‌های نشستن در پارک‌ها تا چه حدی برای استفاده زنان مناسب هست.	۰/۳۷۲	آیا تاکسی‌های درون شهری به حد کافی جهت استفاده زنان وجود دارد.	۰/۵۵۶
	کتابخانه‌های شهری در چه حدی برای پاسخ‌گویی نیازهای زنان مناسب است.	۰/۳۵۲	آیا پارک‌های ویژه زنان به حد کافی وجود دارد.	۰/۵۰۵
	پارک‌های شهری به چه اندازه در دسترس زنان هستند.	۰/۶۲۹	آیا سرویس‌های بهداشتی جهت استفاده زنان به حد کافی وجود دارد.	۰/۵

دارد.

فضاهای ورزشی شهری تا چه حد
برای زنان وجود دارد.
۰/۵۵۸

منبع: یافته‌های تحقیق

عامل سوم فرهنگی و اجتماعی: مقدار ویژه برای عامل فرهنگی- اجتماعی برابر با ۲/۲۴٪ است و واریانس تبیین آن ۱۳/۷٪ است. در مجموع ۸ گویه در آن بارگذاری شده است که شامل: عوامل فرهنگی و اجتماعی در حمل و نقل، فضاهای اختصاصی و عمومی، مشارکت زنان، شرکت در جشنواره‌ها و مراسم فرهنگی و آموزش‌های شهروندی می‌باشد. با توجه به نیازهای فرهنگی و اجتماعی موجود در همه‌ی این شاخص‌ها می‌توان از عنوان شاخص‌های فرهنگی - اجتماعی نام برد. با توجه به این‌که فعالیت‌های بیرونی در فضاهای عمومی در سه دسته قرار می‌گیرند که این فعالیت‌ها عبارتند از: فعالیت‌های ضروری و اجباری، فعالیت‌های انتخابی و فعالیت‌های اجتماعی که دسته‌ی سوم مهم‌ترین نوع فعالیت می‌باشد. بنابراین فضاهای عمومی شهری نه تنها باید پتانسیل حضور گروه‌های مختلف اجتماعی را با هدف پاسخ‌گویی به نیاز ضروری را فراهم آورد، بلکه باید عرصه‌ای را برای برقراری روابط اجتماعی و لذت از حضور در فضا نیز فراهم کند و با توجه به شرایط ویژه‌ی منطقه‌ی مورد مطالعه از قبیل تجمع کاربری‌های تجاری و تاریخی و بازار تبریز، مراجعه‌ی افراد گوناگون با فرهنگ‌های مختلف از مناطق مختلف شهر تبریز و هم‌چنین وجود شرایط مناسب برای بزه‌کاری و خلاف کردن با توجه به ماهیت کاربری‌های موجود، میزان بار عاملی متغیرهای عامل فرهنگی- اجتماعی در منطقه‌ی مورد مطالعه پایین می‌باشد

جدول ۵- گویه‌های مربوط به عامل فرهنگی و اجتماعی و میزان بار عاملی آن‌ها

عامل	نام گویه	بار عاملی	نام گویه	بار عاملی
فرهنگی - اجتماعی	راندگی زنان در شهر تبریز از نظر فرهنگی تا چه حدی پذیرفته شده است.	۰/۴۶۵	محدودیت‌های زنان برای شرکت در جشنواره‌ها و مراسم‌های شهرداری چگونه است.	۰/۴۳۳
	تا چه حد نیاز به جداسازی و اختصاص فضای جداگانه برای	۰/۵۳۱	به چه اندازه موافقت تجهیزات ورزشی زنان جدا باشد.	۰/۷۲

زنان احساس می‌کنید.

از امکانات سطح پارک حتی به	۰/۵۴۵	مزاحمان نوامیس در پارک‌ها به چه مقدار وجود دارند.
تنهایی تا چه حدی می‌توانید استفاده کنید.		
۰/۴۸۹		
آموزش‌های شهروندی برگزار شده	۰/۴۷۶	میزان مشارکت زنان در مدیریت شهری چگونه است.
توسط شهرداری تا چه حد برای زنان قابل استفاده می‌باشد.		
۰/۳۳۲		

منبع: یافته‌های تحقیق

عامل چهارم امنیت: مقدار ویژه‌ی عامل امنیت برابر با $2/0.3$ می‌باشد و $12/5\%$ از واریانس را تبیین می‌کند و ۶ گویه شامل: امنیت در پل‌های هوایی، نورپردازی و عامل روشنایی، مسیربندی تاکسی‌ها، رفتار رانندگان حمل و نقل عمومی و تاکسیران‌ها و میزان امنیت اجتماعی را در بر می‌گیرد که با توجه به گویه‌ها می‌توان از آن با عنوان عامل امنیت یاد کرد (جدول ۶). در عامل امنیت عواملی چون اعتماد و دیگر ویژگی‌های فرهنگی شهروندان محدوده‌ی مورد مطالعه که به صورت حتی غیر رسمی در افزایش احساس امنیت مؤثر می‌افتد، تأثیرگذار بوده و باعث بالارفتن احساس امنیت نسبت به سایر عوامل شده است و با توجه به این‌که نگرانی زنان از ناامنی محیط از جمله عوامل مهم در کاهش حضور آن‌ها در قلمرو عمومی است، عدم امنیت برای زنان تقریباً در تمامی طبقات اجتماعی یافت می‌شود با توجه به مسایل مطرح شده مناسب بودن فضاهای شهری از نظر امنیت در تمامی جوانب برای کلیه‌ی گروه‌های سنی و طبقات اجتماعی تأثیر بسزایی در حضور زنان در حضور و استفاده مناسب از فضاهای عمومی شهری و رضایت آن‌ها دارد و لزوم توجه بیشتر به این مسأله را نمایان می‌سازد. در منطقه‌ی مورد مطالعه با توجه به نظارت عمومی بالا، وجود مراکز نظامی و انتظامی متعدد و هم‌چنین بالا بودن روابط و تعهدات انسانی جنایات و جرایم کاهش پیدا می‌کند و باعث می‌شود بار عاملی متغیرهای مربوط به عامل امنیت نسبت به سه عامل دیگر وضعیت مناسب‌تری داشته باشد.

جدول ۶- گویه‌های مربوط به عامل امنیت و میزان بار عاملی آن‌ها

عامل	نام گویه	بار عاملی	نام گویه	بار عاملی
امنیت	امنیت در پل‌های هوایی چقدر است.	۰/۳۵۱	نور، روشنایی و امنیت در پیاده‌روها و فضاهای شهری تا چه حد است.	۰/۵۴۴
امنیت	رانندگان اتوبوس‌های شهری تبریز تا چه حدی قابل اطمینان هستند.	۰/۵۵۸	آیا مسیربندی تاکسی‌ها از لحاظ امنیتی برای زنان مناسب هست؟	۰/۸۰۷
امنیت	رانندگان تاکسی‌های شهری در تبریز تا چه حدی قابل اعتماد هستند.	۰/۶۵۴	حین استفاده از وسایل ورزشی و بازی تا چه حد احساس راحتی می‌کنید.	۰/۴۱۱

منبع: یافته‌های تحقیق

ارزیابی پاسخگویان از میزان تطابق فضاهای شهری با نیازهایشان

با توجه به (جدول ۷)، عامل امنیت، بیشترین میانگین را دارد که به حد متوسط ۳ نزدیک‌تر است و بقیه عامل‌ها فاصله بیشتری از حد متوسط دارند. این امر بیانگر این است که بنابر نظرات پاسخگویان، این عامل وضعیت بهتری را نسبت به بقیه‌ی عامل‌ها دارد که از عوامل مؤثر در چنین وضعیتی می‌توان به نظارت اجتماعی بالا و وجود مراکز و پایگاه‌های متعدد نظامی و انتظامی در منطقه‌ی مورد مطالعه و کنترل انجام گرفته توسط این مراکز و وجود روابط انسانی بالا با توجه به محدوده‌ی کوچک و مساحت پایین منطقه نسبت به جمعیت مراجعه‌کننده اشاره کرد؛ زیرا در جاهایی که حد مناطق کوچک و میزان روابط انسانی زیاد است، میزان جنایت و جرایم کم می‌شود. به دلیل این‌که تعهدات اجتماعی بالا است و توجه مردم به یکدیگر زیاد می‌باشد. البته عواملی نیز باعث تأثیر منفی بر میزان امنیت در منطقه‌ی مورد مطالعه می‌شود که از آن می‌توان به وجود فضاهای متروک و خلوت و بدون نورپردازی اشاره کرد؛ زیرا فضاهایی که تحت نظارت مردمی نیستند و متروک هستند، مخاطراتی را به وجود می‌آورند که باعث گریز از فضاهای شهری می‌شود. سایر عوامل، میانگین پایین‌تری نسبت به امنیت دارند. بدین معنا که آن دسته از شاخص‌های فضاهای عمومی در منطقه‌ی ۸ تبریز از منظر متناسب بودن با نیازهای زنان در حد مطلوبی نیستند و نیازمند توجه بیشتر می‌باشد. میزان انحراف معیار نیز نشانگر این است که بار عامل امنیت از پراکندگی بیشتری نسبت به سایر عامل‌ها برخوردار است. شاخص‌های پراکندگی (انحراف معیار، واریانس و ضریب پراکندگی) نشان می‌دهد که پراکندگی جواب‌ها در بین عامل فرهنگی- اجتماعی

بیشتر از سایر عوامل است که حاکی از پراکندگی آرای پاسخ‌گویان به سنج‌های فرهنگی-اجتماعی بیشتر بوده است. هم‌چنین نمونه آماری نسبت به عامل ویژگی دسترسی آرای مشابه‌تری نسبت به سایر عوامل داشته است.

جدول ۷- آماره‌های عوامل چهارگانه

آماره	زیرساخت‌های فیزیکی	دسترسی	فرهنگی-اجتماعی	امنیت
میانگین	۲/۴۱	۲/۵۳	۲/۸۳	۲/۹۴
انحراف معیار	۰/۴۷۲	۰/۴۶	۰/۵۳۳	۰/۶۴۸
واریانس	۰/۲۲۲	۰/۲۱۶	۰/۲۸۴	۰/۴۱۹
ضریب پراکندگی	۲۰	۱۹	۲۳	۱۶

منبع: یافته‌های تحقیق

آزمون فرضیه‌ی تحقیق

برای آزمون فرضیات از t تک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج (جدول ۸)، نشانگر این است که عامل زیرساخت‌های فیزیکی، دسترسی و ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی پایین‌تر از سطح معناداری $0/05$ به دست آمده است که می‌توان گفت: این عامل‌ها از وضعیت مطلوبی در محدوده‌ی مورد مطالعه برخوردار نیستند؛ اما در عامل امنیت مشاهده می‌شود که سطح معناداری بیش از $0/05$ آمده است که بیانگر وضعیت مطلوب این عامل از نظر پاسخ‌گویان است.

جدول ۸- ارزیابی پاسخ‌گویان از میزان تطابق فضاهای شهری با نیازهای بانوان

شاخص‌ها	آماره t	Sig	نتیجه آزمون
کالبدی	-۱۹/۱۳	۰/۰۴۷	ویژگی‌های کالبدی محدوده مورد مطالعه از نظر زنان با حد متوسط تفاوت معناداری دارد.
دسترسی	-۱۵/۷۲	۰/۰۱۲	دسترسی در محدوده مورد مطالعه از نظر زنان با حد متوسط تفاوت معناداری دارد.
اجتماعی-فرهنگی	-۴/۸۶	۰/۰۳۱	ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی در محدوده مورد مطالعه از نظر زنان با حد متوسط تفاوت معناداری دارد.
امنیت	-۱/۲۳	۰/۲۱۷	امنیت در شهر از نظر زنان با حد متوسط تفاوت معناداری

ندارد.

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج (جدول ۸)، نشانگر این است که عامل زیرساخت‌های فیزیکی، دسترسی و ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی پایین‌تر از سطح معناداری ۰/۰۵ به دست آمده است که می‌توان گفت: این عامل‌ها از وضعیت مطلوبی در محدوده‌ی مورد مطالعه برخوردار نیستند و هر سه شاخص مورد نظر در محدوده‌ی مورد مطالعه از نظر زنان با حد متوسط تفاوت معناداری دارند و از وضعیت مناسب و مطلوبی برخوردار نمی‌باشند و نیازمند توجه بیشتر به فاکتورهای و زیرشاخص‌های در نظر گرفته شده برای این سه شاخص در طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری منطقه ۸ تبریز می‌باشد؛ اما در عامل امنیت مشاهده می‌شود که میزان سطح معناداری برابر با ۰/۲۱۷ می‌باشد که بیش از ۰/۰۵ آمده است و از نظر زنان تفاوت معناداری با حد متوسط ندارد که بیانگر وضعیت مطلوب این عامل از نظر پاسخ‌گویان در فضاهای شهری منطقه مورد مطالعه است. در زمینه‌ی مشکلاتی که در حوزه-ی زیرساخت‌های فیزیکی و دسترسی در منطقه‌ی مورد مطالعه وجود دارد و با نیازهای زنان مطابقت ندارد می‌توان به این نکته اشاره کرد که با توجه به این‌که منطقه‌ی ۸ شهر تبریز از قدیم‌ترین مناطق شهری تبریز می‌باشد و از قدمت بالایی برخوردار است، به گونه‌ای که بناها و مجموعه‌های با ارزش تاریخی و مذهبی متعدد چون بازار تبریز، مسجد جامع، مسجد کبود، محلات تاریخی و قدیمی هم‌چون راسته کوچه، چارمنار، میارمیار، ایچری ارمنستان، شش درب، دروازه‌های قدیمی و تاریخی تبریز چون درب باغمیشه، استانبول، ویجویه، گجیل، خیابان و نوبر که در این میان تنها درب خیابان از تخریب و تملک سالم باقی مانده است، گذر راه ابریشم از میداین این منطقه، وجود قدیمی‌ترین کلیساهای پیروان آیین مسیحیت، کلیسای مریم مقدس و کاتولیک‌ها و مساکن آرامنه فضاهای موجود را تحت تأثیر قرار داده است و به این بخش از منطقه، هویتی خاص و منحصر به فرد می‌دهد و مسلماً چنین پتانسیل‌هایی بر میزان ضریب آشنایی و خوانایی محدوده و مراجعه‌ی مردم به این منطقه افزوده است و در واقع در وضع موجود منطقه‌ی مورد مطالعه تأثیر گذاشته است، به گونه‌ای که وضعیت موجود منطقه‌ی مورد مطالعه نتوانسته خود را با رشد و توسعه منطقه و ایجاد نیازها و نگرش‌های جدید در همه‌ی ابعاد وفق دهد و متناسب این رشد و توسعه باشد. وجود فضاهای تاریخی و لزوم حفظ این فضاها نیز مانع از گسترش زیرساخت‌های فیزیکی و ایجاد دسترسی مناسب در قسمت‌های مختلف این منطقه شده است و به همین دلیل جواب‌گوی نیازهای موجود نمی‌باشد. مشکلات موجود در زمینه‌ی فرهنگی و اجتماعی را نیز می‌توان به این نکته نسبت داد که منطقه‌ی ۸ شهر تبریز مرکز تجاری تبریز بوده و وجود کاربری‌های ذکر شده در

این منطقه که همگی جاذب جمعیت می‌باشد، باعث شده که افراد زیادی با فرهنگ‌های مختلف از نقاط مختلف شهر تبریز به این منطقه مراجعه کنند و با توجه به شلوغ بودن و تردد بالای افراد و ماهیت کاربری‌های منطقه‌ی مورد مطالعه فضای برای بزه‌کاران و خلاف‌کاران مهیا می‌باشد و عوامل ذکر شده در کنار هم باعث ایجاد مشکلات فرهنگی و اجتماعی در این منطقه از شهر تبریز می‌شوند.

با توجه به مطالب مذکور می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به نظر استفاده‌کنندگان از فضاهای شهری مرکز شهر تبریز (منطقه ۸)، در طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری، از منظر سه شاخص زیرساخت‌های فیزیکی (کالبدی)، دسترسی و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی به ویژگی‌ها و تسهیلات خاصی که بانوان از فضا انتظار دارند که با خصوصیات جسمی و نیازهای عاطفی و روحی‌شان متناسب باشد و زندگی روزمره و فعالیت‌هایشان را تسهیل کند، توجه کافی نشده است؛ ولی از نظر عامل امنیت فضاهای عمومی وضعیت مناسبی دارند. در فضاهای شهری محدوده‌ی مورد مطالعه، بیشتر مردان و نیازهای آن‌ها عمدتاً مرجع برنامه‌ریزی و تنظیم استانداردهای فضایی قرار گرفته است؛ این در حالی است که عرصه‌های عمومی شهری به منزله‌ی بستر زندگی و فعالیت شهروندان باید بتوانند با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های میان افراد و گروه‌های سنی، جنسی و اجتماعی محیطی امن، سالم، پایدار و جذاب را برای همه‌ی افراد فراهم کند و به همه‌ی نیازهای اقشار اجتماعی پاسخ مناسب بدهند و از این لحاظ باید در فضاهای عمومی شهری منطقه‌ی مورد مطالعه بازنگری گردد تا از لحاظ نیازها و ویژگی‌های بانوان نیز مناسب و مطلوب گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

پارادایم‌های نوین در برنامه‌ریزی شهری نظیر پارادایم فمینیستی، تأکید بر حضور و نقش‌آفرینی زنان در شهرها و محیط‌های شهری دارند. از طرف دیگر با توجه به این که زنان ۵۰٪ هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند، نقشی مهم و تعیین‌کننده در توسعه‌ی آن دارند که این امر در ابعاد مختلف آن قابل درک و لمس است. اما شرط این حضور و نقش‌آفرینی وجود و فراهم آوردن اسباب و زیرساخت‌های لازم است. یکی از این زیرساخت‌ها محیط‌های شهری با ویژگی‌های خاص آن می‌باشد. با توجه به نقش مهمی که زنان در توسعه‌ی شهری دارند و به صورت مستمر با مسایل و مشکلات کالبدی و فرهنگی در عرصه‌ی شهر روبرو هستند که با نگاهی مردسالارانه طرح‌ریزی شده‌اند. هم‌چنان که امروزه بسیاری بر این باورند که برای گروه زنان به دلیل ضرورت ارتباط با سایر گروه‌ها و برقراری تعاملات اجتماعی و حق حضور در فضاهای شهری باید سطحی از عدالت در

طراحی و برنامه‌ریزی فضایی رعایت شود. از آن‌جا که بر اساس دیدگاه سیستمی، همه‌ی دستگاه‌ها باید در حوزه‌ی وظایف خود، نیازهای زنان را طبق ویژگی‌های آنان مورد مداخله قرار دهند؛ اما در این میان سازمان‌های متولی از جمله وزارت کشور، وزارت ارشاد، رسانه‌ها و خاصه شهرداری‌های نقش بارزتری دارند.

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی انطباق فضاهای عمومی منطقه‌ی ۸ شهر تبریز با نیازهای زنان با بهره‌گیری از تحلیل عاملی انجام پذیرفته است. نتایج حاصل از مدل اکتشافی با ۳۲ سؤال باقی‌مانده است که در چهار عامل زیرساخت‌های فیزیکی (کالبدی)، دسترسی، ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی و امنیت گنجانده شده است که این عامل‌ها به ترتیب ۸، ۹، ۸ و ۶ سؤال را دربر می‌گیرند. نتایج حاصل از T-Test بیانگر این است که به جز عامل امنیت، در بقیه‌ی عوامل، شرایط مطلوبی در منطقه‌ی مورد مطالعه وجود ندارد و به عبارتی، پاسخ‌گویان زن، اعلام نارضایتی کرده‌اند. این امر بیانگر وجود ناعدالتی جنسیتی در فضاهای عمومی منطقه‌ی ۸ شهر تبریز در سه عامل کالبدی، دسترسی و فرهنگی-اجتماعی می‌باشد. در عامل دسترسی نتایج نشانگر این است که وضع موجود با وضعیت مطلوب زنان تفاوت معناداری دارد. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که به غیر از شاخص امنیت، وضعیت سه شاخص دیگر از قبیل: زیرساخت‌های فیزیکی، دسترسی و فرهنگی-اجتماعی با حد متوسط و مطلوب بانوان تفاوت معناداری دارند. بنابراین، از نتایج تحقیق استنباط می‌شود که در زمینه‌ی زیرساخت‌های فیزیکی، دسترسی و اجتماعی-فرهنگی فضاهای عمومی شهری متناسب با نیازهای زنان نمی‌باشد. در زمینه‌ی مشکلاتی که در زمینه‌ی زیرساخت‌های فیزیکی و دسترسی در منطقه‌ی مورد مطالعه وجود دارد و با نیازهای زنان مطابقت ندارد، می‌توان به قدمت و ارزش تاریخی بالا و وجود کاربری‌های تجاری متعدد و بازار تبریز در منطقه‌ی مورد مطالعه که به این بخش از منطقه هویتی خاص و منحصر به فرد می‌دهد و مسلماً چنین پتانسیل‌هایی بر میزان ضریب آشنایی و خوانایی محدوده و مراجعه‌ی مردم به این منطقه افزوده است و به گونه‌ای که وضعیت موجود منطقه‌ی مورد مطالعه نتوانسته خود را با رشد و توسعه شهر و منطقه وفق دهد. وجود فضاهای تاریخی و لزوم حفظ این فضاها نیز مانع از گسترش زیرساخت‌های فیزیکی و ایجاد دسترسی مناسب در قسمت‌های مختلف این منطقه شده است. مشکلات فرهنگی و اجتماعی را نیز می‌توان به این نکته نسبت داد که منطقه‌ی ۸ شهر تبریز، مرکز تجاری تبریز بوده و هم‌چنین وجود کاربری‌های ذکر شده در این منطقه که همگی جاذب جمعیت می‌باشد باعث شده است که افراد زیادی با فرهنگ‌های مختلف از نقاط مختلف شهر تبریز به این منطقه مراجعه کنند و با توجه به شلوغ بودن و تردد بالای افراد و ماهیت کاربری‌های منطقه‌ی مورد مطالعه فضای برای بزه‌کاران و خلاف‌کاران مهیا می‌باشد و عوامل ذکر شده در کنار هم باعث ایجاد مشکلات فرهنگی و اجتماعی در این منطقه از شهر تبریز می‌شوند و از عواملی که باعث مطابق بودن امنیت در فضاهای عمومی با

نیازهای زنان شده است می‌توان به نظارت اجتماعی بالا و وجود مراکز و پایگاه‌های متعدد نظامی و انتظامی در منطقه‌ی مورد مطالعه و کنترل انجام گرفته توسط این مراکز و وجود روابط انسانی بالا با توجه به مساحت پایین منطقه به نسبت جمعیت مراجعه‌کننده اشاره کرد. با توجه به نتایج به-دست آمده از تحقیق و شرایط موجود در منطقه‌ی مورد مطالعه و فرا رسیدن تبریز ۲۰۱۸ و مراجعه‌ی فراوان شهروندان و گردشگران به این منطقه، نیازمند توجه مسئولان و نهادهای مرتبط برای حل مشکلات و فقدان‌های موجود می‌باشد. در این زمینه، متصدیان مربوطه، به ویژه شهرداری‌ها می‌توانند بسیاری از این مشکلات را با مرتبط ساختن نگرش و نیازهای زنان در محیط‌های شهری و عمومی حل کنند. نتایج پژوهش پورمحمدی و همکاران (2015)، با عنوان بررسی میزان انطباق فضاهای عمومی شهری با نیازهای زنان شهر ارومیه که در چهار بعد ویژگی‌های کالبدی، دسترسی، امنیت و فرهنگی اجتماعی صورت گرفته است، نیز مؤید این است که به غیر از شاخصه‌های فرهنگی و اجتماعی، سه شاخص دیگر- از جمله دسترسی - با حد متوسط و مطلوب بانوان تفاوت معناداری دارند. نتایج پژوهش‌های نورانی (2012) و صادقی (2012)، نیز بیانگر رابطه‌ی معنادار میان افزایش رضایت و حضور زنان با شاخص‌های مجاورت، دسترسی و... هست. در عامل امنیت شاهد رضایتمندی زنان استفاده‌کننده می‌باشیم، به عبارت دیگر، وضع موجود مؤلفه‌های مربوط به امنیت، با انتظارات استفاده‌کنندگان هم‌خوانی دارد. پژوهش‌هایی نظیر ضابطیان (2010)، قزایی (2010)، گلی (2011)، اکبری (2012)، بیانگر وجود تفاوت معنادار بین امنیت و رضایتمندی بوده‌اند که با نتایج این مطالعه تفاوت داشته و نشانگر توجه به بحث‌های امنیتی در طراحی فضاهای شهری می‌باشد. به طور کلی ارزیابی اکثر فضاهای شهری در ایران نشان‌گر این است که غالب فضاهای شهری در کشور ما برای حضور مردان طراحی گردیده‌اند و کمتر به حضور زنان در این فضاها توجه شده است، به این معنی و مفهوم که ویژگی‌های این فضاها امکان حضور زنان را در آن نمی‌دهد. لازم است سازمان‌های متولی در این زمینه، نظیر شهرداری‌ها، برای فراهم آوردن شرایط حضور زنان را فراهم آورند؛ به عبارتی دیگر در برخورداری و استفاده از فضاهای مختلف اعم از تفریحی، ورزش و غیره عدالت جنسیتی را مدنظر قرار دهند.

پیشنهادها

با توجه به گویه‌های موجود در عوامل فوق‌الذکر می‌توان پیشنهادهای زیر را جهت بهبود شرایط ارائه داد:

زیرساخت‌های فیزیکی

- ایجاد موانع در طول پیاده‌روها برای جلوگیری از پارک کردن خودروها و تردد موتورسیکلت در فضای پیاده‌روها؛
- ایجاد پارک‌های مخصوص بانوان متناسب با سهم جمعیتی زنان و توزیع عادلانه در منطقه مورد مطالعه؛
- احیای مجدد بافت‌های راکد و منفعل و هم‌چنین نورپردازی و نصب دوربین‌های مداربسته، به‌خصوص در مناطق شمالی و شمال غرب منطقه ۸ تبریز؛
- تأمین تأسیسات و تجهیزات متناسب با نیازهای زنان با توجه به این‌که منطقه‌ی مورد مطالعه، مرکز تجاری و بازار تبریز می‌باشد؛
- بالا بردن سرانه‌ی فضاهای تفریحی و ورزشی مجزا برای زنان نظیر پارک‌های بانوان با توجه به سرانه‌ی پایین این کاربری‌ها؛
- نورپردازی مناسب معابر و روشنایی آن‌ها در طول ساعات شب در مناطق شمالی و شمال غرب.

دسترسی:

- ایجاد سرویس‌های شبانه‌ی منظم برای وسایل نقلیه، به‌خصوص اتوبوس‌ها و وسایل نقلیه‌ی عمومی با توجه به حجم بالای مراجعه‌کنندگان؛
- ایجاد تاکسی‌های مختص زنان با رانندگان زن با توجه به آمار بسیار پایین تعداد این رانندگان در منطقه‌ی مورد مطالعه و در کل شهر تبریز؛
- افزایش سهم فضای اختصاص داده شده به زنان در اتوبوس‌های شهری؛
- تعبیه‌ی پله برقی در پل‌های عابر پیاده با توجه به برخی محدودیت‌های جسمی زنان در مناطق جاری و شلوغ منطقه (مناطق تجاری و مرکزی).

فرهنگی-اجتماعی:

- با توجه به وضعیت نامناسب اجتماعی و فرهنگی موجود در منطقه‌ی مورد مطالعه و فرارسیدن طرح تبریز ۲۰۱۸ و انتخاب تبریز به عنوان پایتخت کشورهای اسلامی و وجود کاربری‌های متنوع و مختلف تاریخی و فرهنگی و قدیمی در منطقه‌ی ۸ تبریز و به تبع

- موارد ذکر شده، مراجعه‌ی بالای گردشگران خارجی و داخلی به این قسمت از شهر، لزوم توجه بیشتر مسئولان و نهادهای ذیربط و مدیریت شهری را بیشتر نمایان می‌کند؛
- زمان‌بندی مناسب حمل و نقل عمومی برای استفاده‌ی زنان و مراجعه‌ی آن‌ها به مراکز و فضاهای عمومی موجود در منطقه‌ی مورد مطالعه؛
 - افزایش تعداد وسایل نقلیه‌ی عمومی و توجه به نیاز زنان در بخش حمل و نقل با توجه به حجم بالای ترافیک و تعداد بالای مسافران درون شهری در این قسمت از شهر؛
 - ایجاد کاربری‌های تجاری دارای خدمات پذیرایی و دایر در شب برای ترویج پیاده‌روی و حفظ امنیت و روشنایی شبانه؛
 - ارتقاء امنیت از نظر ایجاد مزاحمت خیابانی و امنیت پارک‌ها و توجه به نیازهای فیزیولوژیکی زنان در طراحی پیاده‌روها و پارک‌های منطقه‌ی مورد مطالعه .

References

- Begum, J. (2000). Women, Environment and Sustainable Development, Making the Links.
- Bounds, M. (2004). Urban Social Theory (City, Self and Society), New York: Oxford University Press.
- Boyle, J, Catherine F. & Lelie F. (2001). An investigation into women's perceptions of fear and the design of architecture. *Tourism management* , 5-16.
- Fleury, B, Ghazlane E. (2008). Processes of Place Identification and Residential Satisfaction, Environment and Behavior, Vol .XX, No .X. Available at: <http://online.sagepub.com>.
- Foruzandeh, A. (2006). Assessment of Gender Considerations in the Planning and Creation of New Cities, International Conference on New Towns, Tehran. (Persian).
- Franck, K, Paxson, L. (1989). Women and urban public space. In *public Places and Spaces I* Altman, EH Zube, pp.121-146, Plenum Press, New York.
- Garcia, R, Maria, D. Ortiza, A. & Parts, M. (2004). Urban Planning, gender and the Use of Public Spaces in Pereiphral Neighborhood of Barcelona; *Cities*. Vol.21, No.3, pp. 215-223.
- Gehl, J. (1987). *Life between Buildings*, Van Nostrand Reinhold.
- Gharibi, F, Rad Jahanbani, N & Rashidpour, N. (2010). Surveying and measuring the sense of security in different urban areas (Case study: Tehran's 2nd and 11th districts), *utopia*, Sh 41, pp. 17-32. (Persian).
- Goli, A. (2011). Women and Security in Urban Public Spaces (Case Study of Azadi Park, Shiraz), *Historical Sociology*, pp. 2, pp. 143-164. (Persian).
- Habibi, Kiumars; Rahimi Kaka Jobb; Arman; Abdi; Mohammad Hamed; Ahmadi T. (2013). Securing Urban Public Spaces to Increase Women's Attendance, Case Study: Ferdowsi Avenue, Sanandaj, *Shahrgarar*, Sh. 6, pp. 93-62. (Persian).

- Habibi, M. (2012). The quality and diversity of activities and facilities in public spaces and their effect on the presence of women with an emphasis on Tehran, The first scientific and research conference on women and urban life, Tehran. (Persian).
- Hxley, M. (2002). Govern mentality, Gender, Planning, in 'Planning Future. Philip Allmendinger & Mark Tewdwr-Jones, Rutledge, London.
- Jiang, B, Mak, C. N. S, Larsen, L. & Zhong, H. (2017). Minimizing the gender difference in perceived safety: Comparing the effects of urban back alley interventions. *Journal of Environmental Psychology*.
- Kallantari, K. (2003). Data processing and analysis in socio-economic research, Tehran, Sharif Publishing. (Persian).
- Kazemi, M. (2009). An Analytical Approach to Gender and Its Impact on the Quality of Space, *Journal of Identity City*, Volume 4, Issue 3, Pages 47-58. (Persian).
- Kurniawati, W. (2012). Public Space for Marginal People, *Social and Behavioral Sciences* 36. pp 476-484.
- Madani Pour, A. (2000). Urban spatial design, Attitude to spatial social process, Farhad Mortazai, Tehran, Urban Planning and Processing Company. (Persian).
- Massey, D. (2013). Space, place and gender, John Wiley & Sons.
- Movahed, M & Hemmat, S. (2013). Study of Cultural and Social Factors Related to Social Safety of Women, *Journal of Women and Society*, Vol. 4, No. 2, pp. 55-82. (Persian).
- Naghdy, A. (2011). Man and City, Sociology and Urban Planning, University of Buenos Aires Publications, First Edition. (Persian).
- Noroozi, F & Fooladisephr, S. (2009). Investigation of 15-29 years old women's Feeling of Social Security in Tehran and Social Factors Influencing Them, *Quarterly Journal of Rahbordi*, 18th year, No. 53, PP: 129-159. (Persian).
- Nourani, S & Pourmohammadi, M. R. (2012). Women-Friendly City: The City of Ardabil", *Quarterly Journal of Environment*, No. 19, pp. 165-180. (Persian).
- Parsi, H.R. (2002). Recognition of Urban Space Content, *Fine Arts*, Volume 11, Issue 11, pp. 49-41. (Persian).
- Partovy, P. (2012). Women Working Group and Urban Public Space, First Women and Life Science and Research Conference, Tehran. (Persian).
- Pasaogullari, N, & Doratli, N. (2004). Measuring Accessibility and Utilization of Public Spaces in Famagusta, *Cities*, Vol. 21, No.3, pp. 225-232.
- Pierce, J, Williams, O. R. & Martin, D. G. (2016). Rights in places: An analytical extension of the right to the city. *Geoforum*, 70, 79-88.
- Pourahmad, A, Rashidi, Y. & Ashrafi, T. (2013). Changes in the presence of women in urban public spaces, Exploring the Park of Ael Goli and Khaghani in Tabriz, *Women in Development and Politics*, Vol. 11, No. 3, pp. 376-351. (Persian).
- Renee shorts, J. (2009). Urban Theory, Critical Evaluation, Karmat Allah Ziari, Hafez Mahdanezhad and Faryad Parjez, Tehran, University of Tehran. (Persian).
- Reza Zadeh, R, & Maryam M. (2007). Gender Equity in Urban Design, Women's Architecture Conference in Tehran, Tehran. (Persian).
- Rezazadeh, R. & Maryam M. (2009). Investigating Women Limiting Factors in Urban Spaces, *Journal of Fine Arts*, No. 36. (Persian).

- Sadeqi, A. R, Ahmadi, F, Ghaffari Sarvestani, N. & Rafiyan, M. (2012). Determining the Concepts Governing the Presence of Muslim Women in Urban Areas (Case Study: Shiraz City), Quarterly Journal of Urban Studies, No. 2, p. 71-85. (Persian).
- Shokohi, M. (2012). Designing a Network for Accessing and Securing Women in the Urban Public Spaces Network, The First Women's and City Life Science and Research Conference, Tehran, pp. 11-54. (Persian).
- Talebi, H. & Zangi Abadi, A. (2001). Indicators Analysis and Determination of Factors Affecting Human Development Methodology in Major Cities of the Country, Geographical Survey Quarterly, No. 60. (Persian).
- UNCHS. (2014). Women in Urban Governance, Nairobi: United Nations Centre for Human Settlements (Habitat).
- Wekerle, Gerda R. (2010). Gendered spaces of a pluralistic citizenship, in Democracy, citizenship and the global city. Elgin F. Is in Rutledge, London.
- Zabetiyan, E, Bemanian, M. R. & Rafiean, M. (2010). A Study on the Pattern of Urban Space Planning on Increasing the Safety of Women (Case Study: Central District of Tehran), Social Sciences Quarterly, No. 48, pp. 108-148. (Persian).
- Zibayi Nejhada, M. R. (2009). Gender Identity and Roles, Women's Studies and Research Office. (Persian).
- Abbas Zadegan, M. (2005). Socio-Psychological Dimensions in Urban Spaces, International Journal of Engineering Sciences, University of Science and Technology, Vol. 16, No. 1, pp. 68-69. (Persian).

Archive